نوام چامسکی در برنامه «آینده ایران» مطرح کرد

ایران به سمت نقطه ضعف اسرائیل و آمریکا حرکت کند

محمدجواد شاکر: اعظم خانم، استاد دانشگاه یورک کانادا در حوزه مطالعات شهری است. خانم در گفت‌وگویی که در برنامه «آینده ایران» داشت، از تاثیر اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ بر فضای سیاسی ایران گفت. از نظر او، پایان سیاست جناحی در ایران باعث شده که مردم انعکاس خواسته‌هایشان را در رقابت بین جناح‌های سیاسی در سطوح قدرت نبینند و به همین خاطر برای پیگیری مطالبات و رساندن صدای اعتراض‌شان، سراغ خیابان و فضاهای عمومی بروند و جنبش‌های اجتماعی مختلف دهه ۹۰ را شکل دهند. به عقیده خانم، جنبش‌های اجتماعی جامعه ایران را قوی‌تر کرده و باعث همبستگی اجتماعی بین مردم شده است. اما بخش بزرگی از جامعه ایران که به صندوق رای عادت داشته و فرهنگ سیاسی‌شان محافظه‌کارتر بوده است. هنوز با خیابان بیگانه هستند و همین موضوع جنبش اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ را در رسیدن به اهداف مدنظرش ناتوان کرده است. نوام چامسکی، فیلسوف سیاسی برجسته آمریکایی، یکی دیگر از مهمانان فصل اول رویداد «آینده ایران» بود. چامسکی مسئله اصلی و اساسی امروز جامعه ایران را همان موضوعی می‌دانست که جنبش اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ را رقم زد: فراهم‌شدن شرایطی برای مشارکت آزاد مردم در یک جامعه مشارکتی. اما از نظر چامسکی، رفتن به سمت شیوه‌های خشونت‌آمیز به سود مردم معترض نیست؛ چراکه خشونت مزیت نسبی مردم نیست. چامسکی با اشاره به تحولات مختلفی که در جهان و روابط بین کشورها در جریان است، چاره ایران برای رفع تهدید حمله نظامی را تلاش برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه عنوان کرد؛ هرچند آمریکا و اسرائیل مخالفان جدی این ایده هستند. از سوی دیگر، به عقیده چامسکی حرکت به سوی توسعه سلاح‌های هسته‌ای، به معنای خودکشی است؛ چراکه گزینه‌های نظامی جایی نیست که ایران در برابر آمریکا دست بالا را داشته باشد.

رویداد «آینده ایران» مجموعه‌ای از گفت‌وگوها با متفکران داخل و خارج از کشور درباره وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امروز و فردای جامعه ایران و پیش‌بینی و ایده آنها برای آینده جامعه ایران است که از سوی مجموعه «آزاد» (مدرسه آزادفکری) برگزار شده و فیلم گفت‌وگوهای آن به تدریج منتشر می‌شود. در این شماره «شرق» گزارشی از گفت‌وگو با اعظم خانم و نوام چامسکی را می‌خوانید.

مسئله اساسی امروز ایران فراهم‌شدن شرایط حداقلی برای مشارکت آزاد در یک جامعه مشارکتی باز است. اگر ایران توانا به این چالش رهایی یابد، تازه با مسائلی مانند سرمایه‌داری و استثمار مواجه می‌شود که امروزه در کانون بحران‌های جوامع غربی قرار دارد.

اگر ایران به غرب به‌عنوان یک الگو نگاه می‌کند، ایندا باید بداند از سال ۱۳۵۷ تا امروز چه اتفاقاتی در غرب رخ داده است؟ ۴۵ سال است که دموکراسی‌های غربی در مرض یک جنگ سخت طبقاتی به نام نئولیبرالیسم هستند؛ سیاست‌هایی که برای انتقال ثروت به بخش‌های کوچکی از جامعه طراحی شده؛ درحالی‌که بقاع جامعه، با اکثریت زنان به سمت یک اشتغال نامطمئن و پرمخاطره حرکت می‌کنند. برای کارگران مرد هم در واقعیت دستمزد حقیقی کمتر از آن چیزی است که در سال ۱۳۵۷ بوده. برای داشتن یک تخمین از این وضعیت باید بدانید براساس برخی تحقیقات، در ۴۰ سال گذشته چورگی حدود ۵۰ میلیارد دلار از ۹۰ درصد فقیر جامعه به یک درصد ثروتمند جامعه انتقال یافته است. در همین زمان سیاست‌هایی برای غیرصنعتی‌سازی کشورهای غربی نیز طراحی شده، چه در اشتغال، چه بریتانیا و چه بخش‌هایی از اروپا. آنچه از این جوامع باقی مانده، جوامعی با خشم و کینه انبوه و شرایط آشوبناک فرهنگی است که مستعد قدرت‌گرفتن سیاست‌مداران عوام‌فریب است.

این مدلی نیست که ایران بخواهد از آن الگوبرداری کند. ایران درحال حاضر با مشکلات جداگانه‌ای دست‌وپنجه می‌زند. جنبش زن، زندگی، آزادی نیز از سوی رسیدن به شرایطی است که حداقل حقوق اولیه برای مشارکت در جامعه محقق شود. در چنین شرایطی، به مسائل گسترده‌تری مانند سرمایه‌داری و استعمار نمی‌توان به طور جدی پرداخت؛ چراکه مردم هیچ ابزاری برای تعامل ندارند.

خشونت راه به جایی نمی‌برد

جنبش خشونت‌پرهیز تاکنون به توفیق خاصی دست پیدا نکرده‌اند؛ اما این دلیلی برای حرکت به سمت روش‌های خشونت‌آمیز نیست. هنگامی که جنبش‌ها به خشونت روی می‌آورند، فقط به سود کسانی می‌شود که در خشونت مزیت نسبی دارند و مطمئنا خشونت مزیت نسبی مردم نیست. از یک نظرگاه تاکتیکی ساده، شما به سمت تاکتیک‌هایی که طرف مقابل در آنها قدرت خارق‌العاده‌ای دارد، حرکت نمی‌کنید؛ بلکه سراغ تاکتیک‌هایی می‌روید که طرف مقابل در آن ضعیف است. بسیج مردمی برای فعالیت‌های خشونت‌پرهیز همان نقطه قوت مردم و نقطه ضعف دولت‌هاست. در این حالت نیمی است‌توان برای سرکوب فقط روی حاکمیت باز کرد.

ارتش محبوب زیست و کرمایش جهانی

فرقه همه‌موضوعی‌گرایی درواقعه آنها صحبت می‌کنیم، یک بحران عظیم و تسکین‌ناپذیر وجود دارد که ممکن است همه این فرصت‌ها را به کلی نابود کند و آن مسئله کرم‌شدن محیط زیست است. شمال آفریقا و خاورمیانه با سرعتی تقریبا دو برابر دیگر نقاط جهان در حال کرم‌شدن است. طبق آخرین برآوردها سطح دریای شرقی مدیترانه در ۳۰ سال آینده یک متر و تا پایان قرن دو تا ۲.۵ متر بالا خواهد آمد. این بحران حتی خطیر فارس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این فاجعه بساری از کشورها را دچار بحران خواهد کرد و اصلا از ما دور نیست. این مشکل بس‌زیادی مدعی افراطی در عربستان که در سیستم‌های نظامی و امنیتی این کشور حضور دارند و روابط بسیار صمیمانه‌ای با اسرائیل برقرار کرده‌اند.

این تغییرات به این معناست که تمام مجموعه سیاست‌های آمریکا در قبال خاورمیانه ممکن است با یک تغییر اساسی روبه‌رو شود. این تغییرات در کنار مداخله چین‌ها برای حرکت به سمت نوعی همزیستی ایرانی-سعودی و تعامل امارات برای عضویت در جاده ابریشم دریایی با محورت چین و جدایی چین جهانی از سیستم تحت سلطه آمریکا، همگی نیروهایی هستند که ایران می‌تواند از آنها برای بهبود وضع خودش بهره ببرد. این تغییرات را باید در کنار چالش‌های امروز جامعه ایران دید و فراموش نکرد که مسائل بیرونی و داخلی ایران بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و به هم مرتبط هستند.

آمریکا همچنان قدرت اول است

با همه این مسائل، باید توجه داشت که با وجود رشد چین، هنوز آمریکا قدرت اول جهان است و قدرت قاطع ایالات متحده همچنان باقی است. چین از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌های توسعه در سراسر منطقه اوراسیا از ایران و ترکیه و حتی مجارستان در حال پیشرفت است. همچنین در افریقا و آسیای جنوبی و حتی آمریکای لاتین جای خودش را باز کرده. آن هم آمریکای لاتینی که حیاط‌خلوت آمریکا به حساب می‌آید. اما این تنها بخشی از داستان است. اقتصاددانان معمولا نیاز به شاخص‌های اقتصادی کشورها را با تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری کنند. اما این مقایسه در یک دنیای جهانی‌شده بسیار گمراه‌کننده است؛ با بدید که دام کشورها و شرکت‌های چندملیتی طب‌ب ثروت بعضی هستند؟ به نظر می‌رسد حدود ۵۰ درصد ثروت جهان در دست شرکت‌های چندملیتی مستقر در آمریکاست. درست است که آبفون در چین مونتاژ می‌شود، اما سود اصلی آن به جیب اپل می‌رود. شرکت‌های بزرگ تایوانی تولید و مونتاژ را مدیریت و سازمان‌دهی می‌کنند، اما پشت و انحصار طراحی و تولید در اختیار اپل است و بزنده اصلی این شرکت همچنان در آمریکاست.

از طرف دیگر از نظر قدرت نظامی، آمریکا با اختلاف در صدر کشورهای دنیاست. چه از نظر بودجه‌ای که خرج می‌کند و چه از نظر تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که در اختیار دارد. مؤلفه دیگر قدرت آمریکا ژئوپلیتیک ناتو است. قبل از جنگ اوکراین به نظر می‌رسد ناتو در حال شکاف است. اما حمله یونین به اوکراین همه بزرگی برای آمریکا بود. آمریکا با بکدیگر هزینه اندکی از بودجه جهانی‌شدن‌اش توانست به‌طور جدی نیروهای نظامی رقیب اصلی خود را تضعیف کند. از طرف دیگر روسیه آسیب‌های اقتصادی بسیاری را در این جنگ متحمل شد. همچنین بر این جنگ اروپا از نظر مواد اولیه و مواد معدنی که قبلا از روسیه تامین می‌کرد، به آمریکا وابسته شد. آلمان به جای گاز ارزان روسیه، LNG گران‌قیمت را از آمریکا وارد می‌کند. شرکت‌های انرژی آمریکایی سود کلانی از جنگ روسیه و اوکراین به جیب زدند.

ناتو نیز نه‌تنها کشورهای اروپایی را به خود وابسته کرده، بلکه به یک سیستم جهانی گسترش یافته است. ناتو در حال حاضر تا منطقه هند و اقیانوس آرام پیشروی کرده و در نشست سران ناتو، متحدان آسیایی ایالات متحده مانند کره جنوبی و ژاپن نیز حضور پیدا کرده است. آمریکا چین را با حلقه‌ای از متحدانش شامل کره جنوبی، ژاپن، تایوان، کوام، استرالیا و نیوزیلند محاصره و از سوی دیگر دولت بایدن علیه چین جنگ اقتصادی اعلام کرده است؛ جنگی برای جلوگیری از توسعه طولانی‌مدت چین از طریق حذف هرگونه دسترسی این کشور به تکنولوژی‌های پیشرفته. همچنین آمریکا متحدانش را تحت فشار قرار می‌دهد تا روابط تجاری‌شان با چین را قطع کنند. بعید نیست در چند سال آینده شاهد جنگی میان آمریکا و چین باشیم و این جنگ به معنای پایان جهان است. چراکه نمی‌توان تصوری از جنگ میان قدرت‌های هسته‌ای داشت.

ساخت سلاح هسته‌ای به معنای خودکشی است

من شک دارم که ایران قصد توسعه سلاح‌های هسته‌ای را داشته باشد، اما رفتن به سمت آن به نظرم برای ایران یک خودکشی است. شایعه ساخت سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران، آب از دهان ایالات متحده و اسرائیل راه خواهد انداخت. چراکه فرصتی بی‌نظیر برای حمله‌ای بزرگ علیه ایران در اختیارشان قرار می‌گیرد. سلاح هسته‌ای برای ایران بازدارنده هیچ‌چیز نیست. اگر ایران بخواهد به سمت سلاح هسته‌ای حرکت کند، عربستان نیز دست به مسیر را در پیش می‌گیرد. اسرائیل هم که ظرفیت بالایی از نظر سلاح‌های هسته‌ای دارد و به این ترتیب منطقه به آتش کشیده می‌شود.

همه آنچه ایران باید انجام دهد، تلاش برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است. باز هم اگر ایران استراتژیک فکر کند، باید به سمت نقطه ضعف دشمنانش حرکت کند. نه نقطه قوت آنها. نقطه قوت آمریکا و اسرائیل برای خزانه و حمله نظامی است و نقطه ضعف آنها نگرانی‌های مردم برای پایان زندگی کوطم‌آمیز و دور از جنگ. نقطه ضعف ایالات متحده و اسرائیل، تلاش کشورهای منطقه و جهان برای پایان‌دادن به تهدید جنگ هسته‌ای با ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است.

تقریبا ۳۰ سال است که تمام جهان از منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه حمایت می‌کند، اما آمریکا و اسرائیل جلوی آن را می‌گیرند. در ایالات متحده شما حتی نمی‌توانید این موضوع را به معنای واقعی کلمه مورد بحث قرار دهید. چراکه اگر این مسئله به موضوع بحث عمومی تبدیل شود، بسیار خطرناک است. البته این موضوع تنها محدود به خاورمیانه نیست. آفریقا یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای دارد. اما آمریکا و انگلیس مانع تحقق آن شده‌اند. اقیانوس آرام هم یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای دارد، اما باز هم اصرار ایالات متحده و حقوق تسلیحات هسته‌ای‌اش در مستعمره‌های در اقیانوس آرام، تحقق آن را متوقف کرده است.

فکرا جهانی از ایده مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای به‌پوژه در خاورمیانه حمایت می‌کنند، اما آمریکا و اسرائیل بر منابع متحدانشان مانع اجرائش این ایده هستند.

ایران باید به سمت منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه حرکت کند

حکومت ایران در گذشته از ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه حمایت و معاهده بین‌المللی جلوگیری از تولید سلاح‌های هسته‌ای که بیش از ۱۲۰ کشور جهان آن را پذیرفته‌اند، امضا کرده است. قدرت‌های هسته‌ای از پیوستن به این معاهده سر باز می‌زنند، اما می‌توان آنها را برای تعهد به آن تحت فشار قرار داد. مردم ایران باید از دولتشان بخواهند با حمایت از این معاهده، برای جلوگیری از تولید سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تلاش کنند. چراکه ایران تلاش برای ایجاد چنین منطقه‌ای است، نه غنی‌سازی اورانیوم که هدیه‌ای به دشمن به حساب می‌آید. غنی‌سازی اورانیوم و حرکت به سمت سلاح هسته‌ای بهانه‌ای به آمریکا و اسرائیل می‌دهد که از مزیت نسبی‌شان که همان خشونت و کزینه‌های نظامی است، بهره ببرند. ایران مدیر به سمت نقطه قوت و دشمنان‌شان حرکت نمی‌کند و به جای آن رویاروی با آن می‌ایستاد که نقطه قوت خودش است: حمایت از یک جهان در حال توسعه صلح‌آمیز و عاری از تهدید سلاح‌های هسته‌ای. ایران باید به دنیا نشان دهد آنچه ایران تحقق این ایده است. تسلیحات هسته‌ای است و حمایت آمریکا از آنهاست. مردم آمریکا نیز اگر نسبت به این موضوع آگاهی کسب کنند، از آن حمایت می‌کنند و به همین خاطر این مسئله در دستور کار قرار می‌گیرد. شما حتی یک مقاله در مطبوعات آمریکا درباره این موضوع نمی‌توانید پیدا کنید. حرکت به سمت منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه مثل توافق با عربستان، یک فرصت برای ایران است که می‌تواند از آن استفاده کند.

همبستگی جهانی برای بحران‌های جهانی

جنبش‌های مردمی در سراسر جهان این قدرت را دارند تا در صورت اتحاد و همبستگی با یکدیگر، جلوی این سیاست‌های خودکشی در راستای نابودی جهان را بگیرند. مشکل آنها در این راه، خودشان‌پرهیزی، بسیج مردمی، آموزش، فعالیت‌های فرهنگی و برنامه‌های سیاسی و عینی مطابق با نیازهای مردم است.

چالش‌هایی که جامعه ایران با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، منحصر به این کشور نیست. نگاهی به اسرائیل بیندازید. اعتراضات زیادی هم در این کشور به جریان افتاده و حتی افسران نیروی هوایی این کشور از خدمت امتناع می‌کنند. در آمریکا حزب جمهوری‌خواه که در حال حاضر قدرت زیادی دارد و ممکن است قدرت بیشتری را هم به دست آورد، با دیگاه مردمی‌اش یک حزب بسیار مسیحی انجیلی افراطی است؛ جنبشی که به تکامل اندیشه ندارد، به گرمایش جهانی اعتقاد ندارد، انگار در قرون وسطا زندگی می‌کند. در برزیل بین از تحلیف اولا، عده زیادی به دولت، دادگاه عالی، مجلس و تاسیسات دولتی تجت حمله قرار دادند. بخش بزرگی از این جمعیت از مسیحیان انجیلی افراطی تشکیل می‌دادند. اینها تحولاتی است که در سراسر جهان در حال وقوع است.

جنبش‌های مردمی در سراسر جهان باید برنامه‌هایی برای مقابله با این تحولات داشته باشند تا نتوانند این جمعیت‌ها را در دست به سمت یک جامعه مترقی و مدرن و در حال توسعه به سمت یک جامعه با حقوق اولیه و آزادی‌های انسانی همراه کنند. این جنبش‌ها در بسیاری از کشورها فعال هستند و تنها منحصر به این نیست. در آمریکا و اروپای غربی تلاش عده بسیاری معکوس‌کردن حرکت ارتجاعی به سمت سیستم‌های خودکامه‌تر با تمرکز بالای ثروت و شرایط مخاطره‌آمیز برای مردم است. همه ما عناصر یک نظم جهانی هستیم که باید برای ما نظم جهانی به بشریت در ایجاد مختلف با آن مواجه شد. در همبستگی با یکدیگر کار کنیم. ما راه‌حل‌ها بسیاری از راه‌حل‌هایمان را می‌دانیم و هنوز فرصت داریم. چون چیزی از کنترل خارج نشده، اما باید اقدام کنیم یا این حرکت‌ها باید توسط نیروهای مردمی برای غلبه بر نیروهای جهانی ظلم، خشونت و وحشت، در همبستگی با یکدیگر و در سطح بین‌المللی هدایت شوند.

اعظم خانم در برنامه «آینده ایران» مطرح کرد

سیاست و خیابان

حوادث سال گذشته، در نیروهای سیاسی و اجتماعی ایران تغییراتی را شکل داده است. در واقع اگرچه این هدف را دنبال نمی‌کرد؛ اما جامعه سیاسی ایران را تحت تاثیر خودش قرار داده و هم دولت و هم نیروهای سیاسی رقیب، بر اثر این جنبش، تغییراتی را تجربه کردند.

پایان سیاست جناحی و پایدار نشدن صدای خیابان

جمهوری اسلامی تا قبل از دهه ۹۰ با سیاست جناح‌اش شناخته می‌شد. قدرت سیاسی در آن دوران بین جناح‌های رقیب تقسیم شده و در لایه‌لای این سیاست جناحی و ساختارهای دو جریان اصلی، مردم امکان ابراز نظر پیدا می‌کردند. اگرچه برگزاری انتخابات، لزوما نظامی دموکراتیک را در یک جریان حاکم نمی‌کند، اما سیاست جناحی جمهوری اسلامی، در دوره‌هایی از این ۴۰ سال، خصلت دموکراتیک نظام را بررنگ قدرت تا علاوه بر اکثریتی که به‌عنوان پایه نظام سیاسی شناخته می‌شدند، نیروهای جدیدی هم بتوانند به صحنه بیایند؛ اما از اواخر دهه ۸۰ سیاست جناحی در ایران به پایان رسید، در همان سال‌ها سیاست‌های نظام به آمریکا و اسرائیل دو جریان جناح‌ها، انعکاس خواسته‌ها و مسائل‌شان را نمی‌دیدند و از انتخاب بین بد و بدتر حرف می‌زدند. در این وضعیت، توافق جمعی سیاسی برای فروغلتیدن در آینده‌ای بدتر، موجب مشارکت در انتخابات می‌شد.

وقتی دعواها و فشارها و نیازهای جامعه در سیاست جناحی و رقابت بین جریان‌های سیاسی انعکاس پیدا نمی‌کند، خودش را در اشکال دیگری بروز می‌دهد که به نفع جنبش‌های اجتماعی می‌شناسیم. این جنبش‌ها گاهی ممکن است خیزش‌هایی در قالب شورش‌های شهری و روستایی و منطقه‌ای باشند و گاهی به شکل جنبش‌های رسانه‌ای و موج‌های رسانه‌ای دارند و گفتمانی روشن و خواسته‌هایی مدون و گاهی هم نمود آنها را در جنبش‌های سندیکایی و اتحادیه‌های گروه‌های مختلف می‌بینیم.

در دهه ۹۰ اشکال مختلف این جنبش‌ها در سطح جامعه مشاهده می‌شود؛ چراکه مردم می‌خواهند از فرصت حضور در فضای عمومی و خیابان برای به شکل سیاسی‌کردن مسایلی انجیلی افراطی ایران، جنبشی که به تکامل اندیشه ندارد، به گرمایش جهانی اعتقاد ندارد، انگار در قرون وسطا زندگی می‌کند. در برزیل بین از تحلیف اولا، عده زیادی به دولت، دادگاه عالی، مجلس و تاسیسات دولتی تجت حمله قرار دادند. بخش بزرگی از این جمعیت از مسیحیان انجیلی افراطی تشکیل می‌دادند. اینها تحولاتی است که در سراسر جهان در حال وقوع است.

جنبش‌های مردمی در سراسر جهان باید برنامه‌هایی برای مقابله با این تحولات داشته باشند تا نتوانند این جمعیت‌ها را در دست به سمت یک جامعه مترقی و مدرن و در حال توسعه به سمت یک جامعه با حقوق اولیه و آزادی‌های انسانی همراه کنند. این جنبش‌ها در بسیاری از کشورها فعال هستند و تنها منحصر به این نیست. در آمریکا و اروپای غربی تلاش عده بسیاری معکوس‌کردن حرکت ارتجاعی به سمت سیستم‌های خودکامه‌تر با تمرکز بالای ثروت و شرایط مخاطره‌آمیز برای مردم است. همه ما عناصر یک نظم جهانی هستیم که باید برای ما نظم جهانی به بشریت در ایجاد مختلف با آن مواجه شد. در همبستگی با یکدیگر کار کنیم. ما راه‌حل‌ها بسیاری از راه‌حل‌هایمان را می‌دانیم و هنوز فرصت داریم. چون چیزی از کنترل خارج نشده، اما باید اقدام کنیم یا این حرکت‌ها باید توسط نیروهای مردمی برای غلبه بر نیروهای جهانی ظلم، خشونت و وحشت، در همبستگی با یکدیگر و در سطح بین‌المللی هدایت شوند.

جنبش اجتماعی تغییر می‌آورد

جنبش‌های اجتماعی روی جامعه سیاسی تاثیر دنبال نمی‌کرد؛ اما جامعه سیاسی ایران را تحت تاثیر خودش قرار داده و هم دولت و هم نیروهای سیاسی رقیب، بر اثر این جنبش، تغییراتی را تجربه کردند.

پایان سیاست جناحی و پایدار نشدن صدای خیابان

جمهوری اسلامی تا قبل از دهه ۹۰ با سیاست جناح‌اش شناخته می‌شد. قدرت سیاسی در آن دوران بین جناح‌های رقیب تقسیم شده و در لایه‌لای این سیاست جناحی و ساختارهای دو جریان اصلی، مردم امکان ابراز نظر پیدا می‌کردند. اگرچه برگزاری انتخابات، لزوما نظامی دموکراتیک را در یک جریان حاکم نمی‌کند، اما سیاست جناحی جمهوری اسلامی، در دوره‌هایی از این ۴۰ سال، خصلت دموکراتیک نظام را بررنگ قدرت تا علاوه بر اکثریتی که به‌عنوان پایه نظام سیاسی شناخته می‌شدند، نیروهای جدیدی هم بتوانند به صحنه بیایند؛ اما از اواخر دهه ۸۰ سیاست جناحی در ایران به پایان رسید، در همان سال‌ها سیاست‌های نظام به آمریکا و اسرائیل دو جریان جناح‌ها، انعکاس خواسته‌ها و مسائل‌شان را نمی‌دیدند و از انتخاب بین بد و بدتر حرف می‌زدند. در این وضعیت، توافق جمعی سیاسی برای فروغلتیدن در آینده‌ای بدتر، موجب مشارکت در انتخابات می‌شد.

وقتی دعواها و فشارها و نیازهای جامعه در سیاست جناحی و رقابت بین جریان‌های سیاسی انعکاس پیدا نمی‌کند، خودش را در اشکال دیگری بروز می‌دهد که به نفع جنبش‌های اجتماعی می‌شناسیم. این جنبش‌ها گاهی ممکن است خیزش‌هایی در قالب شورش‌های شهری و روستایی و منطقه‌ای باشند و گاهی به شکل جنبش‌های رسانه‌ای و موج‌های رسانه‌ای دارند و گفتمانی روشن و خواسته‌هایی مدون و گاهی هم نمود آنها را در جنبش‌های سندیکایی و اتحادیه‌های گروه‌های مختلف می‌بینیم.

در دهه ۹۰ اشکال مختلف این جنبش‌ها در سطح جامعه مشاهده می‌شود؛ چراکه مردم می‌خواهند از فرصت حضور در فضای عمومی و خیابان برای به شکل سیاسی‌کردن مسایلی انجیلی افراطی ایران، جنبشی که به تکامل اندیشه ندارد، به گرمایش جهانی اعتقاد ندارد، انگار در قرون وسطا زندگی می‌کند. در برزیل بین از تحلیف اولا، عده زیادی به دولت، دادگاه عالی، مجلس و تاسیسات دولتی تجت حمله قرار دادند. بخش بزرگی از این جمعیت از مسیحیان انجیلی افراطی تشکیل می‌دادند. اینها تحولاتی است که در سراسر جهان در حال وقوع است.

جنبش‌های مردمی در سراسر جهان باید برنامه‌هایی برای مقابله با این تحولات داشته باشند تا نتوانند این جمعیت‌ها را در دست به سمت یک جامعه مترقی و مدرن و در حال توسعه به سمت یک جامعه با حقوق اولیه و آزادی‌های انسانی همراه کنند. این جنبش‌ها در بسیاری از کشورها فعال هستند و تنها منحصر به این نیست. در آمریکا و اروپای غربی تلاش عده بسیاری معکوس‌کردن حرکت ارتجاعی به سمت سیستم‌های خودکامه‌تر با تمرکز بالای ثروت و شرایط مخاطره‌آمیز برای مردم است. همه ما عناصر یک نظم جهانی هستیم که باید برای ما نظم جهانی به بشریت در ایجاد مختلف با آن مواجه شد. در همبستگی با یکدیگر کار کنیم. ما راه‌حل‌ها بسیاری از راه‌حل‌هایمان را می‌دانیم و هنوز فرصت داریم. چون چیزی از کنترل خارج نشده، اما باید اقدام کنیم یا این حرکت‌ها باید توسط نیروهای مردمی برای غلبه بر نیروهای جهانی ظلم، خشونت و وحشت، در همبستگی با یکدیگر و در سطح بین‌المللی هدایت شوند.

جهان در تغییر است

تغییراتی که به آنها اشاره شد، فقط به منطقه خاورمیانه محدود نمی‌شود و در سطح بین‌المللی در حال وقوع است. به‌عنوان مثال ایالات متحده تلاش زیادی کرده تا کشورهای جنوب جهانی را وادار کند تا در جنگ نیابتی بین آمریکا و روسیه در اوکراین بیوندند؛ اما دنیا امتناع می‌کند. در کنفرانس امنیتی مونیخ، نمایندگان آمریکا تلاش زیادی کردند تا کشورهای جنوب جهانی را برای پیوستن به آمریکا در رویارویی با روسیه متقاعد کنند؛ اما تک‌تک این کشورها سر باز زدند؛ هند، اندونزی، کشورهای آفریقایی و حتی متحدان نزدیک ایالات متحده در آمریکای لاتین مانند کلمبیا و برزیل؛ چراکه عقیده داشتند این جنگ، جنگ اینها نیست و تمایل دارند به سمت یک توافق دیپلماتیک و یک آتش‌بس مذاکره‌شده حرکت کنند. هند و اندونزی کشورهای مهمی به شمار می‌روند و به‌سادگی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت؛ همان‌طور که عربستان سعودی و امارات را نمی‌توان نادیده گرفت. این واگرایی بین کشورها می‌تواند فرصت‌های جدی و مهمی برای ایران فراهم کند.

مشکل حیاتی ایران راه‌حلی ساده دارد

ایران به‌تازگی به سازمان همکاری‌های شانگهای پیوسته است؛ اما فرائر از همکاری تجاری با چین، ایران باید به سمت غرب به مشکل حیاتی‌اش حرکت کند که همان توانید حمله نظامی به ایران است. این تهدیدها مبتنی بر ادعایی غلط بر این زمینه توسعه سلاح‌های هسته‌ای است و راه‌حلی بسیار ساده دارد؛ راه‌حلی نشان‌شده که درباره‌اش بحث نمی‌شود. ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه با بازرسی‌های گسترده راه‌حل این مشکل است. ما تجربه خوبی از بازرسی‌ها در دوره برجام و پیش از بایدن آن را طرف ایالات متحده داریم.

کشورهای عربی از خلع سلاح اتمی استقبال می‌کنند. کشورهای جنوب جهانی و کره ۷۷ به‌شدت از آن حمایت می‌کنند. اینها هر تقریرا از آن حمایت می‌کند، نه آن‌طور که می‌توانست؛ اما از آن حمایتی ضمنی دارد. اینها هم طرفدار آن است؛ اما ایالات متحده در نشست بین‌المللی آن را وتو می‌کند. امکانات حمایت‌گرا بسیار ساده است. آمریکا نمی‌خواهد سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل در معرض بازرسی و موشکافی باشد. ایالات متحده حتی به طور رسمی قبول نمی‌کند که اسرائیل سلاح‌های هسته‌ای دارد. آمریکا نمی‌تواند جنبش کلی انجام دهد. چراکه این کار قوانین آمریکا را وارد بازی کرده و مسئله اسرائیل را از نظر قانونی در این کشور دچار چالش می‌کند.

شرایط در حال تغییر است. یک تغییر اساسی در سیاست‌های انجام‌شده در آمریکا درباره مسئله اسرائیل و فلسطین مشاهده می‌شود. این تغییرات خود جوزف از در سیاست نشان نداده؛ اما در انتخابات یک جامعه نسبتا دموکراتیک باید ایالات متحده، افکار عمومی را نمی‌توان برای همیشه نادیده گرفت. این تغییر در جمعیت جوان آمریکا نیز قابل مشاهده است. نظر دانشجوها و دانش‌آموزهای دبیرستانی در آمریکا درباره موضوع اسرائیل و فلسطین نقیاد-بنجاه است؛ درحالی‌که قبلا اصلا این‌طور نبود. از طرف دیگر بخش بزرگی از دموکرات‌ها بیشتر حامی فلسطین هستند تا اسرائیل؛ درحالی‌که در گذشته یک‌باره حمایت از اسرائیل در جامعه لیبرال‌دموکرات آمریکا قرار داشت؛ اما الان بیشتر حامیان اسرائیل در آمریکا از این سیرحیان افراطی هستند. دقیقا مشابه کروه‌های مدعی افراطی در عربستان که در سیستم‌های نظامی و امنیتی این کشور حضور دارند و روابط بسیار صمیمانه‌ای با اسرائیل برقرار کرده‌اند.

این تغییرات به این معناست که تمام مجموعه سیاست‌های آمریکا در قبال خاورمیانه ممکن است با یک تغییر اساسی روبه‌رو شود. این تغییرات در کنار مداخله چین‌ها برای حرکت به سمت نوعی همزیستی ایرانی-سعودی و تعامل امارات برای عضویت در جاده ابریشم دریایی با محورت چین و جدایی چین جهانی از سیستم تحت سلطه آمریکا، همگی نیروهایی هستند که ایران می‌تواند از آنها برای بهبود وضع خودش بهره ببرد. این تغییرات را باید در کنار چالش‌های امروز جامعه ایران دید و فراموش نکرد که مسائل بیرونی و داخلی ایران بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و به هم مرتبط هستند.

آمریکا همچنان قدرت اول است

با همه این مسائل، باید توجه داشت که با وجود رشد چین، هنوز آمریکا قدرت اول جهان است و قدرت قاطع ایالات متحده همچنان باقی است. چین از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌های توسعه در سراسر منطقه اوراسیا از ایران و ترکیه و حتی مجارستان در حال پیشرفت است. همچنین در افریقا و آسیای جنوبی و حتی آمریکای لاتین جای خودش را باز کرده. آن هم آمریکای لاتینی که حیاط‌خلوت آمریکا به حساب می‌آید. اما این تنها بخشی از داستان است. اقتصاددانان معمولا نیاز به شاخص‌های اقتصادی کشورها را با تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری کنند. اما این مقایسه در یک دنیای جهانی‌شده بسیار گمراه‌کننده است؛ با بدید که دام کشورها و شرکت‌های چندملیتی طب‌ب ثروت بعضی هستند؟ به نظر می‌رسد حدود ۵۰ درصد ثروت جهان در دست شرکت‌های چندملیتی مستقر در آمریکاست. درست است که آبفون در چین مونتاژ می‌شود، اما سود اصلی آن به جیب اپل می‌رود. شرکت‌های بزرگ تایوانی تولید و مونتاژ را مدیریت و سازمان‌دهی می‌کنند، اما پشت و انحصار طراحی و تولید در اختیار اپل است و بزنده اصلی این شرکت همچنان در آمریکاست.

از طرف دیگر از نظر قدرت نظامی، آمریکا با اختلاف در صدر کشورهای دنیاست. چه از نظر بودجه‌ای که خرج می‌کند و چه از نظر تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که در اختیار دارد. مؤلفه دیگر قدرت آمریکا ژئوپلیتیک ناتو است. قبل از جنگ اوکراین به نظر می‌رسد ناتو در حال شکاف است. اما حمله یونین به اوکراین همه بزرگی برای آمریکا بود. آمریکا با بکدیگر هزینه اندکی از بودجه جهانی‌شدن‌اش توانست به‌طور جدی نیروهای نظامی رقیب اصلی خود را تضعیف کند. از طرف دیگر روسیه آسیب‌های اقتصادی بسیاری را در این جنگ متحمل شد. همچنین بر این

رویش شده و تعلق به آنها کاهش می‌یابد. حلقه‌های کوچک و خانوادگی و غیرشفاف شکل گرفته و بر سیاست مطلع می‌شود. در این دوره تا سیاست جناحی به سیاست دسته‌ای و محفلی، دیدن‌سالاری دولت فرومی‌یابد. از سوی دیگر در این شرایط افراد تنها به محفل و دسته خودشان وفاداری دارند و به‌همین‌خاطر افشاگری‌ها درباره فساد افزایش پیدا می‌کند و هر روز ابعاد جدیدی درباره فساد به گوش می‌رسد.

در چنین ساختاری، جناح‌ها و احزاب تعیین‌کننده نیستند و محافل و دسته‌هایی که حول قدرت‌های مختلف شکل گرفته‌اند، همه‌کاره می‌شوند. سیاست برای این دسته‌ها و محافل معنایی جز زدوخورد و حیله‌وبل ندارد. همچنین به‌تدریج از دسته‌های مختلف دولتی سلب قدرت شده و به موازات آنها نهادهای جدیدی شکل می‌گیرد تا منابع را به سمت خودشان جذب کنند.

بیگانگی با خیابان، فرهنگ سیاسی ما را محافظه‌کارتر کرده است

جنبش‌های اجتماعی جامعه را قوی‌تر می‌کند و باعث شکل‌گیری همبستگی اجتماعی بین مردم می‌شود. در واقع جامعه در واکنش به ضعف دولت، به خودیاری روی می‌آورد و در مقابل دسته‌ای و محفلی‌شدن سیاست